

تصمیمات قضائی

۱ - حقوقی

حکم شماره $\frac{۲۹۱}{۲۸/۱/۲۵}$ هیئت عمومی دیوان عالی کشور

جریان امر - بدوا در سال ۱۳۳۰ آقای ابوالقاسم بوکالت از آقای محمدتقی ودونفر برادران خود حاجی ابوالحسن و مرتضی بطرقت آقای سیدعباس دادخواستی بمدعی به اثبات وصایت امرثلث مرحوم محمود و منع مداخله خوانده در رقیبات مورد ثبت و خسارات بدادگاه شهرستان قزوین تقدیم میدارد خلاصه آنکه خواهانها فرزند آقای شیخ مهدی و بملاحظه رأی شماره ۶۰۶ تحقیق اوقاف موکلین دادخواستی بطرقت خوانده بداره تحقیق اوقاف داده دایر بر اینکه طبق مدلول وصیتنامه مرحوم حاجی آقا محمود جد مادری ناسپردگان که اصل آن نزد خوانده میباشد امر وصایت برثلث آن مرحوم راجع است بمشارالیهم و باید خوانده ترك مداخله در املاك مورد ثبت نماید و اداره تحقیق با توجه بعبارت وصیت نامه و فتاوی آقایان علماء خواهانها را محق تشخیص داده و در نتیجه اعتراض برای مزبور نسخ و اظهار عقیده بر ضرر موکلین شده لذا بتقدیم این دادخواست مبادرت و تقاضای حکم برحقانیت موکلین خود در امر وصایت دارد پس از ابلاغ دعوی بطرف و مذاکعات و کیل آنان خلاصه در عدم استحقاق خواهانها در امر وصایت دادگاه حکم بر بیحقی آنان صادر مینماید و پس از تقدیم دادخواست پژوهشی و صلور حکم بر وصایت خواهانها و خلع ید پژوهش خوانده بشرح رأی ۱۳۱ و ۱۶۹ و نقض حکم مزبور دو دیوان کشور باین شرح (....) اولاد ذکور ظاهر دو فرزند پسر صلبی موصی و اعقاب ذکور آنان بوده و شامل فرزندان ذکور که بلاواسطه یا مع الواسطه از بطن دختر موصی باشند نمیشود بنا بر این حکم فرجامخواسته دایر بر وصایت فرجامخواندگان مخدوش است و با این وصف و اینکه وکیل آنان در مرحله رسیدگی نخستین اظهار نموده و راجع بمنع مداخله و خلع ید فرجامخواه تقاضی ندارم و دادگاه نخستین هم بدین لحاظ یا جهت دیگر در این باب رأی تقذاده بر حکم شماره ۱۶۹ مبنی بر خلع ید فرجامخواه از املاك اشکال و اود و هر دو حکم بموجب شق ۲ و ۳ از ماده ۵۰۹ نقض و ختم امر بشعبه دیگر دادگاه استان مرکز ارجاع میگردد شعبه دهم دادگاه استان مرکز پس از رسیدگی مجدد بشرح رأی ۱۵۳ خلاصه بعنوان اینکه اولاد ذکور شامل اولاد ذکور از آنان هم میگردد با نسخ حکم دادگاه شهرستان وصایت آقایان محمدتقی و ابوالحسن و مرتضی را محرز و مشارالیهم را اوصیای مرحوم حاجی آقا محمود دانسته که بمدلول وصیت نامه عمل نمایند اینک مورد تقاضی رسیدگی فرجامی و خلاصه اعتراض اینست که رأی دادگاه برخلاف قوانین شرع و عرف صادر شده و در قضیه اعمال نظر خاصی شده است و شرحی مفصلاً نگاشته اند که موقع شور قرائت خوانده شد و سپس از طرف آقای ابوالفضل بوکالت از فرجام خواهان لایحه در این زمینه تقدیم شده است. فرجامخواندگان هم پاسخ داده اند.

تصمیمات قضایی

جلسه هیئت عمومی دیوانعالی کشور بریاست جناب آقای محمدروری رئیس کل دیوانعالی کشور با حضور جناب آقای دکتر عبدالحسین علی آبادی معاون اول دادستان کل با حضور آقایان رؤساء و مستشاران شعب تشکیل است پس از قرائت گزارش جریان پرونده و آراء صادره و مذاقه در مواد مربوطه و کسب عقیده جناب آقای دکتر علی آبادی معاون اول دادستان کل که سببی برابر حکم فرجامخواسته بود مشاوره نموده با کثرت بشرح زیر رای میدهند.

حکم فرجامخواسته بجهت زیر حکم قانونی و مشمول قسمت اول ماده ۵۵۸ قانون آئین دادرسی مدنی است دادگاه باستناد جهات و اصول و کیفیات مندرجه در حکم مزبور فرجامخوانندگان را اولاد دختری موصی و دارای شرایط مذکوره در وصیت نامه برای تصدی امر وصایت دانسته و این کیفیات و اصول مندرج در حکم و نظر دادگاه بموجب ماده ۵۶۵ قانون مزبور معتبر و غیر قابل اعمال نظر فرجامی مقرر شده است. ۲. - از محتویات پرونده و جهات استنادی طرفین هم عدم صحت مندرجات حکم فرجامخواسته ثابت نمیگردد. ۳. - در ماده ۸۸۹ قانون مدنی نسبت بارث و در مورد ۴ از ماده ۱۰۴۵ قانون مدنی در باره نکاح فرزندان دختر - اولاد پدر دختر محسوب شده و فرزند دختر و فرزند پسر از حیث نسبت پدر بزرگ (جد) در یک درجه منظور شده اند و چون از حیث رعایت سایر اصول و مواد مربوطه برسیدگی هم توجه اشکال قانونی مؤثر در نقض حکم فرجامخواسته احراز نمیگردد بموجب ماده ۵۵۸ قانون دادرسی مدنی ابرام میشود.

۲ - جزایی

حکم شماره $\frac{۹۹۹۴}{۳۸/۱/۳۰}$ هیئت عمومی دیوانعالی کشور

گزارش کار - ماده ۲۵ قانون مجازات عمومی در مورد مجرمینی که پیش از دو پیشینه سرقت داشته باشند توقف اجباری در نقطه معینی را علاوه بر مجازات حبس لازم دانسته چنانچه شعبه دوم دیوانعالی کشور نیز حکم شماره ۳۰۵ دادگاه استان پنجم را که حاکی از توقف اجباری متهم بوده ابرام نموده است و حال آنکه شعبه پنجم دیوانعالی کشور در مورد مشابه بموجب حکم شماره ۱۹۸۲ - ۲۸/۱۲/۱۴ دادنامه ۲۶۷ شعبه هشتم دادگاه استان مرکز را که برخلاف ماده مزبور بتوقف اجباری مجرم اشعاری نداشته ابرام نموده است. نظر باینکه در نتیجه ابرام دو حکم فوق الذکر در دیوانعالی کشور راجع بضروری بودن توقف اجباری و یا غیر ضروری بودن آن بین آراء فوق الذکر تضاد و تباین موجود است مراتب گزارش میشود که در صورت اقتضاء طبق قانون مربوط بوحدهت رویه قضائی مصوب ۲۲۸ موضوع را در هیئت عمومی دیوانعالی کشور مطرح فرمایند.

تصمیمات قضائی

جلسه هیئت عمومی دیوانعالی کشور بریاست جناب آقای محمد سروری رئیس کل دیوانعالی کشور باحضور جناب آقای جواد عامری دادستان کل و آقای دکتر علی آبادی معاون اول دادستان کل و آقایان رؤساء و مستشاران شعب بشرح زیر .

- شعبه ۱ - آقای مفخم - آقای معصومخانی
- شعبه ۲ - آقای فرزاد - آقای حاجبی - آقای خستو
- شعبه ۳ - جناب آقای علی اصغر امین
- شعبه ۴ - جناب آقای وثیقی - آقای عباسعلی بشیر فرهمند
- شعبه ۵ - آقای عضدی - آقای مولوی
- شعبه ۶ - آقای ویشکائی - آقای گنابادی - آقای ابوالفتوح - جناب آقای سرابندی
- شعبه ۷ - جناب آقای میرمطهری - آقای محمدباقر امین - آقای حسین معظمی - آقای عسگر صاحبجمع
- شعبه ۸ - جناب آقای مجلسی - آقای صفدری - آقای گودرزی - آقای شریفی اقدس -
- شعبه ۹ - جناب آقای خواجوی - آقای ابوالقاسم قرشی - آقای بیوک آصفزاده
- شعبه ۱۰ - آقای محمد صدر - آقای دکتر علی صدارت - آقای احمدفلاح رستگار - آقای مهدی سجادیان

تشکیل است پس از قرائت جریان پروندهها و آراء صادره و مذاقه در مواد مربوطه و کسب عقیده جناب آقای دادستان کل که مبنی بر تأیید رأی شعبه هشتم دیوان کشوری بود مشاوره نموده با اکثریت آراء بشرح زیر رأی میدهند :

طبق ذیل قسمت سوم از ماده ۴۵ قانون کیفر عمومی مجازات کسانی که بیش از دو سابقه محکومیت برای دزدی و یا کلاهبرداری دارند علاوه بر حبس با اعمال شاقه توقف اجباری در یکی از نقاطی که از طرف دولت تعیین میگردد نیز میباشد و چون مجازات اخیر مجازات است که باین قبیل متهمین تخصیص یافته تخفیف اصل مجازات و تبدیل آن بمجازات اخف تأثیری در مجازات توقف اجباری که يك مجازات تکمیلی است نداشته و تعیین آن الزامی است بنابراین رأی شعبه ششم صحیح است .